



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله پنجم  
موضوع جزئی: جمع بندی مربوط به صورت دوم تقلید اعلم  
سال دوم  
تاریخ: ۲۱ آذر ۱۳۹۰  
مصادف با: ۱۶ محرم الحرام ۱۴۳۲  
جلسه: ۳۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### جمع بندی مباحث گذشته:

نتیجه همه مباحثی که در صورت دوم از صور تقلید اعلم داشتیم را باید بیان کنیم و یک جمع بندی از مباحث گذشته داشته باشیم.

از آنجایی که بحث به طول انجامیده موضوع بحث را یادآوری می‌کنیم.

اگر به خاطر داشته باشید گفتیم در مسئله تقلید اعلم، به طور کلی سه صورت وجود دارد:

**صورت اول:** یک اینکه فتوای اعلم و غیر اعلم موافق هم باشد و مقلد هم علم به موافقت فتوای اعلم و غیر اعلم داشته باشد. این فرض بحث خاصی نداشت و گفتیم که این صورت ندرتاً اتفاق می‌افتد در این صورت تقلید اعلم واجب نیست. ثمره‌ای در این بحث وجود ندارد و فتاوا و نظرات یکسان است. البته تأملی در این صورت وجود دارد که آن را ذکر خواهیم کرد.

**صورت دوم:** اینکه فتوای اعلم با غیر اعلم مختلف است و مقلد هم علم به این اختلاف دارد. این فرض خودش دو فرض داشت:

یک فرض اینکه فتوای غیر اعلم موافق احتیاط است و فتوای اعلم مخالف احتیاط؛ در این فرض گفتیم که عقل اجازه می‌دهد از فتوای غیر اعلم تقلید شود از باب اینکه احتیاط موجب یقین به امتثال است. به عبارت دیگر در این صورت تقلید اعلم تعیین ندارد. طبق نظر آنها که تقلید اعلم را واجب می‌دانند، در این صورت هم تقلید غیر اعلم جایز است. فرض دوم آنجایی است که فتوای اعلم مطابق احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط نیست. همه بحث‌هایی که ما تا اینجا داشتیم راجع به این صورت است.

**صورت سوم:** که بعداً از آن بحث خواهیم کرد صورت شک در موافقت یا مخالفت فتوای اعلم و غیر اعلم است یعنی مقلد علم ندارد که آیا فتوای اعلم و فتوای غیر اعلم موافق با یکدیگرند یا نه. این بحث باقی مانده که بررسی خواهیم کرد.

پس اولاً موضوع بحث ما و مسئله محل بحث آنجایی است که فتوای اعلم و غیر اعلم مختلف است و مقلد هم علم به اختلاف فتوای اعلم با غیر اعلم دارد با این ضمیمه که فتوای اعلم موافق احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط نیست. در این مورد می‌خواستیم ببینیم که آیا می‌شود از غیر اعلم تقلید کرد یا نه؟ یا به عبارت دیگر تقلید اعلم لازم است یا نه؟ محل بحث این بود.

اینجا اگر به خاطر داشته باشید گفتیم که از دو زاویه می‌توانیم بحث کنیم:

زاویه اول: یکی از این باب که فتوای اعلم مطابق احتیاط است که از دید عقل احتیاط موجب یقین به امتثال است و اساساً در این فرض مسئله استناد به حجیت فتوای اعلم مطرح نیست. (این زاویه را کنار گذاشتیم)

زاویه دوم: مسئله حجیت فتوای اعلم و عدم حجیت فتوای غیر اعلم است. یعنی می‌خواهیم ببینیم اخذ به فتوای اعلم نه از باب اینکه موافق احتیاط است و عقل می‌گوید چون این فتوی موافق احتیاط است، موجب یقین به امتثال است؛ بلکه از این زاویه که هل یكون فتوی الأعلم حجةً و فتوی غیر الأعلم لیس بحجة، آیا مسئله این است یا نه؟ پس موضوع بحث دقیقاً معلوم شود که این همه ادله‌ای که ذکر شد، نفیاً و اثباتاً، راجع به این موضوع بود که می‌خواهیم ببینیم فتوای اعلم که مطابق با احتیاط است حجیت دارد و فتوای غیر اعلم که مطابق با احتیاط نیست حجیت ندارد یا نه می‌شود به هر دو رجوع کرد یعنی هم به اعلم و هم غیر اعلم؟

به طور کلی ما عرض کردیم اقوال مختلفی در مسئله تقلید اعلم وجود دارد؛ چند قول را بیان کردیم عمده اقوال این دو قول بود یکی لزوم تقلید اعلم یعنی قول غیر اعلم حجت نیست و قول دوم قول به جواز تقلید اعلم یا به عبارت دیگر تخییر بین تقلید اعلم و غیر اعلم. ادله هر دو قول را ذکر کردیم که هفت دلیل برای قول اول بیان کردیم در همه ادله خدشه کردیم. سیره عقلانیه گرچه یک قوتی نسبت به بقیه داشت اما گفتیم که نهایت آن این است که رجحان فتوای اعلم از آن استفاده می‌شود. در مقابل شش دلیل برای قول دوم یعنی جواز تقلید غیر اعلم ذکر کردیم. در بین این ادله شش گانه گرچه نسبت به برخی ادله اشکال شد اما فی الجمله دلالت این ادله را پذیرفتیم و گفتیم از ادله‌ای که برای جواز تقلید غیر اعلم ذکر شد فی الجمله می‌توانیم استفاده کنیم جواز تقلید را یعنی بین تقلید اعلم غیر اعلم مخیر هستیم و تقلید اعلم ضرورتی ندارد.

### نتیجه:

این محصل بحث و بررسی مربوط به ادله دو قول بود. لکن چون در مسئله شهرت قابل توجهی وجود دارد مبنی بر لزوم تقلید اعلم ما از باب رعایت این شهرت احتیاط کرده و نظر ما در این مسئله احتیاط در تقلید اعلم است نه به واسطه دلیل بلکه به جهت رعایت شهرت لذا در این مسئله احتیاط می‌کنیم.

توجه به این نکته لازم است که امام(ره) در همین مسئله پنجم که خواندیم در مورد تقلید اعلم احتیاط کرده و فرموده‌اند که احتیاط وجوبی رجوع به اعلم است ولی ایشان از این باب که ادله لزوم تقلید اعلم را کافی ندانسته و ادله جواز تقلید اعلم تمام نمی‌دانند یعنی نه ادله قول به تعین فتوای اعلم و نه ادله طرف مقابل را تمام نمی‌دانند لذا می‌گویند چون دست ما از دلیل کوتاه است و ادله طرفین مخدوش است رجوع می‌کنیم به همان اصلی که در اول بحث تأسیس کردیم. در ابتدای بحث ما سخن از مقتضای اصل داشتیم و گفتیم در اینجا بعضی چند اصل عملی را ذکر کرده‌اند ولی ما گفتیم اصالة التعمین اقتضاء می‌کند که باید از اعلم تقلید کرد و در دوران بین تعیین و تخییر، عقل از باب احتیاط حکم می‌کند به تعیین و این را تفصیلاً توضیح دادیم و گفتیم که فرض کنید اگر کسی امرش مردد است بین اینکه طرف تعیین را اخذ کند یا طرف تخییر را، در مقام امتثال کدامیک از این دو طرف را انجام بدهد، موجب یقین به امتثال است؟ اگر طرف تعیین را اخذ کند یقین دارد به

وظیفه‌اش عمل کرده چون بر فرض حکم واقعی هم تخییر باشد بالاخره یک طرف تخییر همین فردی است که این شخص اخذ کرده است. لذا در دوران بین تعیین و تخییر عقل از باب احتیاط حکم به تعیین می‌کند که تعبیر می‌شود به اصالة التعیین. این اصل عملی بود که ما در مسئله تأسیس کردیم و گفتیم در موضع شک و در جایی که دست ما از دلیل کوتاه باشد، به این اصل اخذ می‌کنیم. امام(ره) می‌گویند احتیاط وجوبی آن است که از اعلم تقلید شود و فتوی نمی‌دهند «یجب تقلید الأعلم علی الأحوط» وجه احتیاط امام همین استناد به اصل است چون دلیلی پیدا نکردند. اما ما که می‌گوییم احتیاطاً از اعلم باید تقلید کرد این از باب رعایت شهرت است و الا از نظر ما ادله جواز تقلید غیر اعلم تمام است و مشکلی از نظر دلیل نداریم و نیازی نیست به اصل رجوع کنیم. مرحوم سید هم در عروة به وجوب تقلید اعلم فتوی دادند چون ادله وجوب تقلید اعلم را تمام دانستند. بعضی نیز مانند آقای خوئی فتوی به وجوب تقلید اعلم دادند از باب اینکه بعضی از ادله مثل سیره را قبول کردند و مرحوم آقای فاضل هم فرمودند تقلید اعلم واجب است و تنها دلیل ایشان هم سیره عقلائی است و سایر ادله را قبول نکرده‌اند. اما به نظر ما ادله وجوب تقلید اعلم تمام نبوده و در طرف مقابل ادله قول به تخییر بین تقلید اعلم و غیر اعلم تمام است لکن از باب رعایت شهرت فتوایی حکم به احتیاط در تقلید اعلم می‌دهیم.

### **ثمره عملی فرق فتوی به لزوم تقلید و احتیاط وجوبی:**

در اینجا یک مسئله‌ای وجود دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست و آن اینکه آیا بین لزوم تقلید اعلم به نحو فتوی یا به نحو احتیاط از نظر عملی فرقی هست یا نه؟ به عبارت دیگر ثمره‌ی عملیه‌ای در فتوای به وجوب تقلید اعلم یا احتیاط وجوبی در تقلید اعلم متصور است یا نه؟ یا اینکه فقط صرف بحث علمی است؟ کسی مانند سید فتوی به وجوب می‌دهد و مانند امام(ره) علی الأحوط تقلید اعلم را واجب می‌داند آیا این ثمره عملیه دارد یا نه؟

در اینجا چند ثمره‌ی عملیه برای این اختلاف ذکر کردند یعنی اگر ما مستند وجوب تقلید اعلم را دلیل بدانیم کما اختاره السید یا مستند لزوم تقلید را حکم عقل به احتیاط بدانیم کما اختاره الإمام(ره) بین اینها فرق است اجمالاً فرق آن این است که اگر مستند لزوم تقلید اعلم، دلیل شرعی باشد، لازمه‌اش این است که در همه موارد، تقلید اعلم تعیین دارد لکن اگر مستند لزوم تقلید، حکم عقل به احتیاط باشد یعنی دلیل شرعی نباشد و ما بر اساس اصل عملی و مقتضای اصل در مسئله حکم به لزوم تقلید اعلم کنیم، لازمه‌ی آن عدم تعیین تقلید اعلم در بعضی موارد است. پس اگر مستند، دلیل باشد، همه جا تقلید اعلم تعیین دارد اما اگر مستند، اصل باشد، تقلید اعلم در برخی موارد ضرورت نداشته و متعین نیست.

**مورد اول:** مثلاً اگر مجتهدی باشد که یک مقلد عامی در یک مقطعی از زمان از او تقلید کرده و بعد از گذشت مدتی این شخص مقلد یک مرجع اعلم از مجتهد اول پیدا می‌کند؛ در اینجا اگر مستند ما در تقلید اعلم دلیل باشد، متفاوت است با آنجایی که مستند ما اصالة التعیین باشد. اگر مستند عبارت از اصالة التعیین باشد یعنی دلیل کنار رود و مستند یک اصل عملی باشد و ما به خاطر اصالة التعیین یا حکم عقل به احتیاط گفته باشیم تقلید اعلم لازم است، در این موارد اصالة التعیین جاری نمی‌شود چون اصالة التعیین در دوران بین تعیین و تخییر در صورتی جاری می‌شود که یک اصل شرعی دیگری که مجوز اخذ به طرف دیگر را صادر کند وجود نداشته باشد. اگر در اینجا یک اصل شرعی دیگر در کار باشد

دیگر امر دائر بین تعیین و تخییر نیست تا عقل بخواهد حکم به تعیین کند و بگوید حتماً باید از اعلم تقلید کنید. اصل شرعی در این فرض که مجوز اخذ به قول دیگری که غیر اعلم را صادر کرده، استصحاب بقای فتوای مجتهد اول است یعنی مجتهد اولی که از او تقلید می‌کرده الآن شک می‌کند که با پیدا شدن اعلم، فتوای مجتهد اولی معتبر است یا نه؟ بقای حجیت فتوای مجتهد اول را استصحاب می‌کند. ولو این نفر دوم اعلم است اما این شخص فتوای او را استصحاب می‌کند.

نتیجه این است که وقتی که این اصل بود دیگر اصالة التعیین نمی‌تواند جاری شود و این اصل در مقابل آن قرار می‌گیرد. یعنی در این مسئله آن چیزی که برای ما اثبات تقلید اعلم می‌کرد، یعنی اصالة التعیین کارایی ندارد. بنابراین در جاهایی مانند این مورد امام نمی‌تواند حکم به تعیین تقلید اعلم کنند اما مرحوم سید می‌تواند چون او فتوی به لزوم تقلید اعلم داده است و از راه دلیل فرموده تقلید اعلم لازم است و لذا اگر این اصل هم بیاید تأثیری در سرنوشت نتیجه نخواهد داشت. پس ثمره‌ی عملیه دارد.

**مورد دوم:** جایی که کسی مواجه بوده با دو مجتهد مساوی و بعد مکلف از یکی از آنها تقلید می‌کرده و بعد از مدتی نفر دیگر که مساوی بوده اعلم شده؛ در اینجا اگر کسی از باب اصالة التعیین و به نحو احتیاط و جویی تقلید اعلم را متعین بداند، نمی‌تواند بگوید یلزم علیک تقلید الأعلم اینجا تقلید اعلم دیگر متعین نیست چون این اصل مقابلش استصحاب حجیت تخییری است (همان حجیت تخییری‌ای که سابقاً در مورد دو مجتهد متساوی ثابت بود استصحاب می‌شود و الآن هم فتوای هر دو حجت است) لذا در اینجا نمی‌تواند بگوید که تقلید اعلم تعیین دارد چون از راه اصل، حکم به لزوم تقلید اعلم کرده است. اما کسی که از راه دلیل، لزوم تقلید اعلم را ثابت کرده مانند مرحوم سید اینجا مشکلی برای حکم به لزوم تقلید اعلم و تعیین تقلید از اعلم ندارد چون از راه دلیل اثبات کرده است تعیین را برای تقلید اعلم چون «الأصل دلیلٌ حیث لا دلیل» پس ببینید این حداقل دو مورد که در آن ثمره‌ی عملیه فرق بین فتوی به لزوم تقلید اعلم یا احتیاط و جویی در تقلید اعلم مشاهده می‌شود. اگر مستند اصالة التعیین و اصل باشد اینجا در بعضی موارد بواسطه جریان یک اصل در مقابل این اصل کنار می‌رود اما اگر کسی فتوی داد و از راه دلیل قائل به تعیین تقلید اعلم شد، دیگر نوبت به این اصل نمی‌رسد. بنابراین ثمره‌ی عملیه وجود دارد.

«هذا تمام الكلام فی الصورة الثانية»

بحث بعدی در صورت سوم از تقلید اعلم است که در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»